

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه طه (جله سوم)

جله خانوادگی - استاد اخوت ۹۴/۲/۳۰

برای سلامتی خودتان، خانواده‌تان، دوستان، شیعیان، مومنین و همه انسان‌هایی که با فطرت سالم زندگی می‌کنند

### صلوات

برای این که ان شاءالله خدا توفیق دهد از ایام مبارک ماه شعبان استفاده کنیم و بتوانیم در محضر رسول اکرم(ص)

باشیم و از عنایات ایشان بهره‌مند شویم **صلوات**

ماه شعبان منسوب به پیامبر اعظم(ص) است و توصیه شده که در این ماه به وساطت و شفاعت ایشان خدا را بخوانیم

شود. برای این که ان شاءالله این توفیق برایمان حاصل شود **صلوات**

سوره طه سوره‌ای است که خاص پیامبر مطرح شده است، بالخصوص آیات ابتدایی و انتهایی آن. آیات میانی نیز در

مورد حضرت موسی(ع) است.

در آیه ۳ به طور واضح نشان می‌دهد که تنها کسانی می‌توانند از قرآن بهره ببرند که خشیت داشته باشند. به همین

نسبت هر کس متناسب با میزان خشیت‌اش با قرآن ارتباط برقرار می‌کند. هرچه خشیت انسان بالا برو، نیاز به قرآن

بالا خواهد رفت.

طبق آیه ۲ و ۳ این گونه است که اگر کسی خشیت نداشته باشد رسول خدا هم نمی‌تواند برایش کاری کند یعنی

وساطت رسول یک سری شرایط دارد که باید آنها باشد تا وساطت اتفاق بیافتد.

آیه ۸ جزء آیات عجیب قرآن است. آیات توحیدی یک موقعی مثل سوره مبارکه توحید است و یک موقع هم این

گونه است که نفع اله‌های غیرالله را مطرح می‌کند و همه اسماء حسنی را مطلقاً مربوط به خدا می‌داند. این آیه

مستجمع توحید قرآن است.

آیات ۹ تا ۱۶: در این آیات موضوع کلیم الله شدن حضرت موسی (ع) و کلام خدا مطرح می شود. موضوع کلام خدا به این صورت است که خداوند به صورت متکلم و رسول خدا مخاطب و وحی بعنوان محتوای خطاب وجود دارند و کلام حقیقی از اینجا شکل می گیرد. اگر بخواهیم از بالا به پایین صحبت کنیم این گونه می شود که وقتی از متکلم دانای قدرتمند کلام به مخاطب نیازمند صادر می شود، کلام خدا و مولفه های کلام خدا را می توان مشاهده نمود. حالا درون آن تاکیدات و مولفه های مختلفی آمده که می توانید رصد کنید که وقتی خدا با یک بنده صحبت می کند چگونه حرف می زند. در واقع ما به این وسیله توحید را مرور می کنیم و اینکه خداوند چه ویژگی هایی دارد و کلام او چگونه است. شناخت متکلم حقیقی، توحید واقعی است.

آیه ۱۷ تا ۲۲: بعضی وقت ها بعضی از چیزها برای ما خیلی عادی است مثل گفتگوهای روزمره اما یک موقعی گفتگو کردن سخت می شود مثل وقتی در حال مطرح کردن که حرف علمی دقیق هستید. حالا اگر قرار باشد در نزد مقام بلندمرتبه ای مشرف بشوید و این حرف ها بگویید، گفتگو سخت تر خواهد شد.

توجه به دو سر گفتگو لازم است تا انسان دریابد که خدا چگونه بنده ای را انتخاب کرده و با او حرف می زند و از طرف دیگر چگونه یک بنده اقتضاء آن را ایجاد کرده که می تواند با خدا صحبت کند.

خدا هیچ وقت کاری را بدون حکمت انجام نمی دهد. وقتی می گوید اذهب الی فرعون.. حتما حکمتی دارد. معلوم می شود که هر کس که طغیان می کند یک طوری با خدا سر ناسازگاری برداشته است.

هیچ وقت اظهار عجز کردن پیش خدا سخت و یا بد نیست (۲۴) یعنی اینکه آدم شکایت و ضعفش را پیش خدا ببرد هیچ وقت بد نیست اما اگر پیش خودش ببرد و باعث طعنه و سرزنش بشود بد است.

هیچ وقت آرزوهای بلند کردن پیش خدا چیز عیب داری نیست یعنی مثلا آدم بخواهد که همه مردم دنیا به دست او موحد بشوند.. یا هر چیز دیگر. هیچ وقت از خدا کم نخواهید. هر وقت ظرف گدایی تان را بردید پیش خدا تا اندازه ای که افق دیدتان می رسد از خداوند بخواهید.

خدا به واسطه داستان حضرت موسی (ع) ادب دعا کردن را به ما یاد می دهد.

(در حاشیه: مرور خاطرات گذشته خوب است به شرط این که انسان رحمت های الهی را یادآور بشود و در او ایجاد شغف کند اما اگر کینه در ذهنش تداعی شود و نامهربانی ها را یادآوری کند خوب نیست.)

وصی داشتن پیامبران به این خاطر است که در مسیر هدایت تدبیر برای امور لازم است مثلا اگر جنگ می‌رود باید کسی در شهر باشد که تدبیر کند. یک زوجیت برای تدبیر امور و وصیت برای جریان دادن پیام لازم است. نوعا همه پیامبران وصی داشتند تا پیامشان انتقال پیدا کند مثل جریان عاشورا که یک پیام رسان دارد به نام حضرت زینب (س) از آیه ۳۷ تا ۴۱ مرور خاطرات می‌کند. یکی از راه‌های فعال کردن ذکر مرور خاطرات خوب است. دست خدا را باید همیشه در زندگی دید. بعد هم یک سری حوادث برای انسان خاص می‌شود. باید دید در زندگی حضرت موسی (ع) (که این آیات تقریبا مربوط به سی سالگی ایشان است) روی کدام مقاطع دست می‌گذارد.

هیچ اشکالی ندارد انسان نگرانی‌هایش را به خدا بگوید.. آخر اگر در زندگی انسان یک خدای این طوری نباشد مجبور می‌شود برود یک کس دیگری را پیدا کند تا درد و دل کند و یا اگر پیدا نکرد اذیت بشود. در حالیکه ما باید بگوییم "خدا دارم چه کم دارم"، خدا حرف من را می‌شنود و جواب می‌دهد زیرا او بالاتر از من هم است و بر من اشراف دارد و زیر و زبر من را می‌داند. انسان در هر حالتی خدا دارد و می‌تواند حرف‌هایش را با او مطرح کند. اما باید خوب هم گوش کند تا بفهمد خدا به او چه می‌گوید. (۴۵)

بعضی وقت‌ها ما می‌گوییم که خدا با ماست. اما یک موقعی هم هست که در وجودمان می‌شنویم که خدا می‌گوید ما با توئم.. این دو خیلی با هم فرق می‌کند. این در فطرت ماست که صدای خدا را حس می‌کنیم. (۴۵ و ۴۶)

این موضوع برای حضرت موسی (ع) اتفاق افتاد. در قالب وحی هم اتفاق افتاد اما اینکه قرآن آن را برای ما نقل می‌کند حتما وجهی دارد. دلیل اولی که بنظر می‌رسد این است که ما یاد بگیریم تا گونه حرف بزنیم و بشنویم. یکی از رحمت‌های رابطه با خدا این است که او می‌تواند خود را متکلم و تو را مخاطب کند و بگوید برو جلو من با تو هستم! یعنی احساس کنید که خدا خودش می‌آید وسط معرکه و تو را کنار می‌زند و دیگر غیر خدا کس دیگری نیست.

۴۷: خیلی جالب است که وقتی موسی (ع) با فرعون مواجه شد، کلام خدا را در فهم مخاطب خود تبدیل کرد. یعنی اینها همش حرف‌های خدا بود که توسط حضرت موسی (ع) به فرعون گفته شد.

۴۸ تا ۶۴: این آیات خیلی عجیبی است و نکات بسیاری می‌توان از آن برداشت کرد. یکی از نکات این است که این طور نیست که انسان‌هایی که به کفر آلوده می‌شوند برای خودشان بنیادهایی نداشته باشند. اتفاقا سر حرف

خودشان خیلی محکم هستند، آن قدر که حاضرند یک میدان رزمی آمده کنند و به جنگ بیایند و به قطعیت هم بدانند که پیروز می‌شوند!

انسان‌ها دو دسته‌اند: یک دسته پیوسته در یقین‌اند، یک دسته دائم در شک‌اند.

کسانی که در یقین‌اند دو دسته‌اند، یک دسته حق حقیقی و یک دسته حق قلبی. و این را از مسائل و منازعاتی که بین آن‌هاست معلوم می‌شود. (که ما فکر می‌کنیم حق هستیم و باید به آیات الهی رجوع کنیم). برای حق، اصحابی است که اگر آن‌ها نباشند حق از باطل متمایز نمی‌شود.

اول سوره گفت که شرط تاثیر گذاری قرآن خشیت است. انسان وقتی که نسبت به امری یقین پیدا می‌کند، فکر می‌کند که آن چیز درست است. اما باید عقیده‌اش را با یک میزان‌هایی انطباق دهد تا حتما درست باشند. این میزان باید حتما یک حجت بیرونی باشد لذا باید خود را با رسول بیرونی تنظیم کند و اگر این اتفاق نیفتد کمی بعد مبهوت می‌شود..

عنصر خشیت یعنی هر انسانی موظف است که خودش را نسبت به حق عاجز بداند و هر لحظه که حق را فهمید در برابر آن متواضع شود.

حجت بیرونی الزاما یک شخص نیست ممکن است یک رخداد باشد. (یعنی یک چیزی در بیرون از نفس انسان) اگر انسان واقعا دنبالش باشد، آن را پیدا خواهد کرد.

تنها مشکل ما در زندگی فقدان خشیت است. نیازی در خود نمی‌بینیم که خشیت داشته باشیم.

ان شاء الله سوگاتی ما از ماه شعبان و رمضان بدست آوردن خشیت باشد.. یک خشیتی که ما را به لقاء خدا برساند.

خیلی چیزها را نمی‌بینیم چون نمی‌خواهیم! و تا نخواهیم به ما نشان نمی‌دهد. به وسیله خواستن از خدا خیلی ارتباطمان با خدا گسترده خواهد شد. انسان تا زمانی که از تکلم استفاده نکند و زبانش به دعا گشوده نشود، گوشش از کلام خدا پر نخواهد شد زیرا این دو با هم رابطه مستقیم دارند.

کاربردی ترین نکته سوره این است که می‌خواهد انسان را کلیم الله کند و این صرفا با کلام نیست. مثلا به خدا می‌گوییم: خدا من دارم می‌روم سر کار..! آدم وقتی به خدا می‌رسد هر حرفی که می‌زند دعایی می‌شود.. این یعنی اینکه خدا یا می‌بینی که من دارم می‌روم سر کار.. پس خودت از من محافظت کن و مراقبم باش.. یعنی می‌گوییم که من

نیازمند مراقبتم. یک جاهایی هم در زندگی انسان بلاها موضوعیت پیدا می کنند.. انسان در حوادث باید تکلمش فعال شود و بعد از رفع آن هم نباید تکلمش خاموش شود.

انسان یک قدرتی در درونش است که می تواند یک دفعه عوض بشود. این خشیت در ان سان است که سبب می- شود تا در یک لحظه ایمان او به طرز عجیبی صعود کند.

آیات ۶۵ به بعد به نوعی مصائب امام حسین(ع) است. حر قرآن به نوعی همین ساحران هستند که یک دفعه تغییر کردند یعنی از اعماق ظلمتی که به گرفتار بودند، یک دفعه پرواز کردند و پيله شان را پاره کردند. یعنی شما می- توانید به خدای خود بگویید که خدایا من بدم اما سحره که نیستم.. شیوه زندگی ام شیهه سحره است. یعنی این آیات کاری می کند تا شما صدایتان در بیاید.(و زبانتان به دعا باز بشود)

حضرت موسی(ع) را نشان می دهد که خدا همیشه با اوست و همیشه با او صحبت می کند.

حضرت موسی(ع) به جنگ رفته اما در لحظه به او می گویند که چه کار کند.. خاصیت وحی این است که در لحظه است و در سابقه نیست..(۶۹)

ساحران با یک چرخش در لحظه حاضر شدند که دست و پایشان قطع بشود اما مومن از دنیا بروند. یک جا با هم ایمان آوردند و این جزء معجزه های بزرگ عالم است که یک دسته ساحره با هم ایمان می آورند.

صفت منفی و مثبت با هم جور در نمی آید. بد اخلاق نباش تا خوش اخلاق باشی! زندگی سخت است آنگاه که آن را سخت بینداری.

۷۲ و ۷۳: اگر کافر نباشیم، مومن خواهیم بود و معانی زیادی را فهم خواهیم کرد. تعیین نداشتن جز به رب موسی(ع) و هارون و فهم قدرت او و در نتیجه دست برداشتن از تبعیت هوای نفس یعنی مومن بودن. این اتفاقات در روز بارها برای ما می افتد اما ما دست از تبعیت نفس خود بر نمی داریم.

ایمان مستودع مثل برقهایی است که نوسان دارد! نصف روز خوب است و نصف روز قطع است. ایمان مستقر ایمانی دائمی است که ساحران مستقیما به این نوع ایمان ورود پیدا کردند. زمانی که انسان روی ایمان مستقر متمرکز شود می بیند که حظ دنیایی، حق را از او می گیرد و با این حال می تواند از آن حظ دنیایی دل بکند.

ما باید برای ایمان آوردن از طریق ایمان حضرت موسی(ع) باید ایمان بیاوریم نه از طریق ایمان سحره.

انسان یک استعداد دارد و یک جهت و این جهت است که ارزش فرد را تعیین می‌کند. در این آیات ذکر می‌شود که افرادی که استعدادهای بالایی هم داشتند چطور در یک لحظه جهت‌شان تغییر کرده است و ارزشمند شده‌اند.

وقتی ما می‌گوییم که ایمان سحره هست نباید تصورمان این باشد که مثل سحره باشیم و ایمان بیاوریم. هر کس باید مثل خودش باشد و ایمان بیاورد. انسان می‌تواند در هر استعداد و حالتی که هست، تابع حق باشد. ایمان آوردن سحره باید باعث شود که ما در ایمان خودمان تثبیت بشویم. اگر آدم بتواند حبیب باشد برای چه حر باشد؟!..

برای بوجود آوردن خشیت: کسانی که طالب علم‌اند و با علم سر و کار دارند خشیت در آنها ایجاد می‌شود. سه نوع علم داریم یکی آیه المحکمہ یعنی آن چیزهایی که باورها را محکم می‌کند، دیگری سنته القائمه سبک زندگی توحیدی است، و در نهایتا فریضه العاقله که شامل باید و نبایدها می‌شود که آدم باید بداند چه کاری را باید بکند و چه کاری را هم نباید بکند. این سه در انسان خشیت ایجاد می‌کنند. انسان باید دنبال باورها، سبک زندگی توحیدی و باید و نبایدهای درست باشد تا خشیت در او ایجاد شود، حالا هر کسی ولو مسلمان نباشد و این سه را داشته باشد به هر حال مسلمان می‌شود و از دنیا می‌رود اما هر کسی که ظاهرا مسلمان باشد و این سه را نداشته باشد مسلمان از دنیا نمی‌رود.

سبک زندگی یعنی طبق سیره زندگی پیامبر عمل کردن. باورها یعنی عبرت گرفتن از پدیده‌ها و رخدادها.

ان شاء الله که خدا ایمان سحره را به ما بدهد و بتوانیم شاکر نعمات او باشیم به برکت صلوات بر محمد و آل محمد

تعمیل در فرج امام زمان (عج) صلوات